

علی مطهری: خط قرمزهایی که برای آزادی بیان در دانشگاه‌ها ایجاد کرده‌ایم و برخوردهایی که با نشریات دانشجویی می‌شود و خصوصا برخوردهایی که از سال ۸۸ به این سو با دانشجویان شده است، آنها را از سیاست گریزان کرده است.

علی مطهری؛



روزنامه شرق مصاحبه‌ای را با علی مطهری درباره دوران دانشجویی‌اش انجام داده است.

مشروح این گفتگو را در ادامه بخوانید؛

مهم‌ترین مطلب و سخنی که علامه مطهری هنگام ورود شما به دانشگاه به شما عنوان کردند، چه بود؟  
من در سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه تبریز قبول شدم. در آن سال معدل امتحان نهایی ضریب پنج داشت و من چون قبل از امتحان رسم فنی، فوتبال بازی کردم و بر اثر ضربه‌ای دچار خونریزی بینی شدم، نمره رسم فنی‌ام خراب شد و گرنه نمره‌ام به دانشگاه پلی‌تکنیک یا تهران می‌رسید. به‌رحال بعد از قبولی‌ام اولین کاری که ایشان کردند این بود که یک کیف مهندسی برای من خریدند و این برای من جالب و غیرمنتظره بود. نقل این مطلب هم شاید جالب باشد. آن زمان اسامی قبول‌شدگان را در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات اعلام می‌کردند. پدرم زنگ زدند به روزنامه کیهان و سؤال کردند. متصدی روزنامه اشتباه گفت قبول نشده است. من که انتظار آن را نداشتم، بی‌اختیار بغض کردم و دور شدم. ایشان برای آنکه من را تسکین دهد یا واقعا عقیده‌شان بود، گفتند «علی قربانی من شد». اما ایشان دوباره تماس گرفتند و متصدی کیهان گفت علی مطهری قبول شده است با کد ۱۱۸ یعنی مهندسی مکانیک دانشگاه تبریز. در این وقت فضای خانه تغییر کرد.

یک خاطره از دوره دانشجویی در ارتباط با پدرم دارم. می‌دانید که دانشگاه تبریز از دانشگاه‌های فعال در مبارزه با رژیم شاه بود؛ چه دانشجویان مسلمان آن و چه کمونیست‌ها و گاهی ترم‌های تحصیلی به دلیل تشکیل‌نشدن کلاس‌ها در حد نصاب لازم منحل می‌شد. یک بار که ترم منحل شد و من به تهران آمدم، سوار ماشین بودیم و من ایشان را به مقصدی می‌رساندم، ایشان فرمودند من فکر می‌کنم این انحلال زیاد ترم‌های تحصیلی دانشگاه‌ها خواست خود رژیم شاه است تا در آینده کادر لازم برای اداره کشور را نداشته باشیم. من گفتم ولی فکر می‌کنم نظر امام خمینی همین باشد و مقداری بر نظر خودم اصرار کردم. ایشان گفتند هیچ کس از من به امام نزدیک‌تر نیست؛ جمله‌ای که به‌ندرت ایشان می‌گفتند.

فضای سیاسی دانشگاه پیش از انقلاب چه حال و هوایی داشت؟ بعد از انقلاب این فضا به چه سمت و سویی رفت؟  
تا قبل از سال ۵۶ که دوره جدید نهضت اسلامی آغاز شد، فضای دانشگاه‌های کشور بیشتر چپ و مارکسیستی بود و بخش اسلامی آن دو قسمت داشت؛ یک قسمت به دلیل وجود مجاهدین خلق دچار التقاط با مارکسیسم بود و قسمت دیگر که کوچک بود، به دلیل آشنایی با آثار شهید مطهری و برخی دیگر خلوص خود را حفظ کرده بود. ولی بعد از آغاز دوره جدید نهضت اسلامی در سال ۵۶ و مطرح‌شدن امام خمینی کم‌کم آن قسمت اسلامی خالص ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد و بزرگ‌تر شد. آزادی بیان در دانشگاه‌ها نسبت به سرکوب‌گربودن رژیم شاه به طور نسبی وجود داشت و در مواردی استاد مطهری، مهندس بازرگان، دکتر شریعتی و افراد دیگری می‌توانستند صحبت کنند و شاید وضعیت آزادی بیان در آن دوره از وضعیت آزادی بیان در چند سال اخیر ما بهتر بود.

حتی نوع برخورد با استادان هم به نظر من بهتر بود. به عنوان مثال شهید مطهری در قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ تهران فعالیت

مؤثری داشت و علیه شخص شاه سخنرانی کرد و نزدیک به دو ماه زندان بود ولی پس از آزادی از زندان از دانشگاه اخراج نشد، فقط در ارتقای ایشان از دانشیاری به استادی موانعی برای ایشان به وجود آوردند که آن هم به وسیله پرفسور رضا رئیس دانشگاه تهران، حل شد، به این نحو که در جلسه رئیس دانشگاه با استادان، وقتی استادان را معرفی می‌کردند، گفتند آقای مرتضی مطهری دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران. پرفسور رضا همان‌جا گفته بود «چرا دانشیار؟ ایشان که استاد همه ما هستند»، گفته بودند به خاطر فعالیت سیاسی و بعد اقدام و مشکل را حل کرده بود. ولی امروز، اگر استادی انتقادی در آن حد و بلکه پایین‌تر از آن داشته باشد، او را از دانشگاه اخراج و حتی گاهی برای خانواده او هم مشکلاتی ایجاد می‌کنیم.

بعد از انقلاب دسته‌بندی دانشجویان حالت مصنوعی به خود گرفت و برخی از گروه‌ها و انجمن‌ها از خارج دانشگاه حمایت مالی و سیاسی می‌شوند و ما درصدد تحمیل یک فکر بر دانشگاه هستیم درحالی‌که اگر دانشگاه را به حال خود بگذاریم و آزادی بیان حاکم باشد، اکثر دانشجویان به طور طبیعی طرفدار انقلاب اسلامی هستند چون ما منطق قوی داریم.

از نظر شما محاسن و معایب انقلاب فرهنگی به این شکل در ایران چه بود؟  
در بعضی دانشگاه‌ها برخی گروه‌های مسلح چپ آنجا را ستاد فعالیت خود قرار داده بودند. طبیعی است که لازم بود این اماکن از دست آنها خارج شود ولی این امر در همه دانشگاه‌ها نبود و بهتر بود فقط همان چند دانشگاه نه همه دانشگاه‌ها برای مدت کوتاهی و نه دو سال و هشت ماه تعطیل می‌شد. اصلاحاتی هم که در سرفصل دروس انجام شد، نیاز به تعطیلی نداشت.

دانشجوی ۵۵ سال با دانشجوی ۹۰ چه تفاوتی دارد؟ کدام‌یک خوشبخت‌تر و کدام‌یک برای جامعه خود مفیدتر است؟  
بیشتر به اراده و همت خود دانشجوی بستگی دارد و دانشجوی و بلکه هرکسی نباید تابع محیط باشد بلکه باید روی محیط تأثیرگذار باشد و تلاش کند به وضع مطلوب تغییر جهت دهد. در آن دوره تکلیف دانشجوی از نظر سیاسی معلوم بود و آن مبارزه برای سرنگونی یک رژیم استبدادی بود. اما امروز ممکن است دانشجویان ما انتقاد داشته باشند و معمولاً دنبال ساقط کردن نظام نیستند. اگر فضای مناسب برای انتقادات آنها ایجاد نکنیم، ممکن است به روش‌های دیگری روی بیاورند. از نظر فرهنگی، معنوی و اخلاقی هم فضای امروز دانشگاه‌ها مقایسه‌کردنی با فضای قبل از انقلاب نیست، خصوصاً در بعضی دانشگاه‌ها مثل دانشگاه ملی که امروز شهید بهشتی شده یا دانشگاه شیراز که فساد اخلاقی در آن فراوان بود و اساساً اشاعه فحشا در دانشگاه‌ها یکی از سیاست‌های رژیم شاه بود.

رابطه احزاب و دانشگاه‌ها باید به چه شکل باشد؟ باوجود شعار سیاسی‌بودن دانشجویان، چرا درحال حاضر اکثر دانشجویان سیاست‌زده هستند و اصلاً دغدغه سیاسی ندارند؟  
احزاب نباید از دانشجوی به عنوان ابزار و وسیله برای رسیدن به هدف خود استفاده کنند و دانشجویان نیز باید مراقب باشند که ابزار واقع نشوند. خط قرمزهایی که برای آزادی بیان در دانشگاه‌ها ایجاد کرده‌ایم و برخوردهایی که با نشریات دانشجویی می‌شود و خصوصاً برخوردهایی که از سال ۸۸ به این سو با دانشجویان شده است، آنها را از سیاست‌گریزان کرده است.

شما چهار فرزند دارید، آیا به آنان اجازه فعالیت‌های سیاسی یا آزادی عقیده می‌دهید؟ درحال حاضر هرکدام مشغول به چه فعالیتی هستند؟  
بله، همه آنها آزاد هستند که اگر علاقه دارند فعالیت سیاسی داشته باشند. مرتضی ازدواج کرده و در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی شهرسازی در واحد علوم و تحقیقات تحصیل می‌کند. رضا مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف دارد و در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران تحصیل می‌کند. لیلیا سال اول دانشگاه در رشته روان‌شناسی است و زهرا کلاس سوم دبستان و بسیار باهوش است.

دانشجوی مشهدی باید برای فضای بسته مشهد و فضای دوقطبی و تنگنانهایی که به وجود آمده است، چه کند؟  
باید مقاومت کند. کسی نمی‌تواند جلوی آزادی‌های اساسی آنها را بگیرد. آنها باید از حقوق خود در قانون اساسی دفاع کنند و اجازه ندهند خراسان به صورت یک ایالت خودمختار درآید چون در آینده این امر برای کل کشور مشکل ایجاد می‌کند و حکومت به سمت حکومت فدرال می‌رود درحالی‌که نظام ما چنین نظامی نیست و قانون در همه نواحی باید به صورت یکسان اجرا شود.

درباره مواضع علامه مطهری درخصوص دانشجویان، نقش آنان در جامعه، فعالیت‌های سیاسی آنان، آزادی بیان و... مطالبی را ذکر بفرمایید.

ایشان همیشه از «نیم»ها نگران بود، مثلاً نیم پزشک، نیم مهندس، نیم فقیه، چون اینها نه متخصص هستند و نه عوام ولی ممکن است خودشان را متخصص بدانند و دچار جهل مرکب باشند و نیازی به مراجعه به متخصص در خود احساس نکنند. دانشجو هم یکی از این «نیم»هاست چون نه عوام است و نه متخصص در مسائل اجتماعی و سیاسی، ولی ممکن است خود را بی‌نیاز از متخصصان بداند و به کارشناس مراجعه نکند و دچار خطا شود. بنابراین ممکن است در جایی ابزار واقع شود خصوصاً که در دورانی از عمر خود است که احساسات او شدید است. از طرفی دانشجو در سنینی است که فطرت الهی او قوی است و عدالت‌خواه و طرفدار حق است و در این راه فداکاری می‌کند و این نقطه مثبت دانشجو است که باید در راه درست استفاده شود.

